

## Social Skills in Students with Intellectual Disabilities, Autism, Learning Disabilities and Normal Students

Akbar Rezaei<sup>1</sup>, Ph.D., Alireza Hafezi<sup>2</sup>, M.A

Received: 18.5.10 Revised: 3.10.11 Accepted: 18.12.11

### Abstract

**Objective:** The purpose of present study was to examine social skills in students with intellectual disabilities, autism, learning disabilities and normal students. **Methods:** Method of this study was survey research. In this research 225 elementary students including 67 students with learning disabilities, 62 students with intellectual disabilities, 30 students with autism and 65 normal students were randomly selected the sample. Social skills were measured into 5 components: appropriate social skills, inappropriate behaviors, aggressiveness and impulsive behaviors, overconfident and relativity to peers. MANOVA and ANOVA were used to analyze the data. **Results:** The result showed that: (1) students with retardation and autism had a significant difference with normal students on the component of appropriate social skills, (2) on the component of inappropriate behavior, aggressiveness and impulsive behaviors only students with learning disabilities had a significant difference with normal students, (3) on the component of overconfident and also peers, only students with autism had a significant difference with normal students. **Conclusion:** Accordingly, we can conclude that student with intellectual disabilities, autism, learning disabilities and normal students had significant difference in different social skill components.

**Keywords:** Social skills, Intellectual disabilities, Autism, Learning disabilities.

1. Corresponding Author :Assistant professor of Payame Noor University - Tehran  
2. M.Sc in psychology of Exceptional Children Payame Noor University - Tabriz

## مقایسه مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان نارسایه‌های ویژه در یادگیری، کم‌توان ذهنی، اوتیسم و عادی مدارس ابتدایی شهر تبریز

دکتر اکبر رضایی<sup>۱</sup>، علیرضا حافظی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۸۹/۲/۲۸ تجدیدنظر: ۸۹/۷/۱۱ پذیرش نهایی: ۹۰/۹/۲۷

### چکیده

**هدف:** در این پژوهش، هدف مقایسه مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان با نارسایه‌های ویژه در یادگیری، کم‌توان ذهنی، اوتیسم و عادی بود. **روش:** روش این پژوهش از نوع زمینه‌ای بود. در این پژوهش تعداد ۲۲۵ نفر از دانش‌آموزان ابتدایی شامل ۶۷ دانش‌آموز با نارسایه ویژه یادگیری، ۶۲ دانش‌آموز کم‌توان ذهنی، ۳۰ دانش‌آموز دچار اختلال اوتیسم و ۶۵ دانش‌آموز عادی به شیوه تصادفی به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. مهارت‌های اجتماعی در پنج مولفه مورد اندازه‌گیری قرار گرفت: مهارت‌های اجتماعی مناسب، رفتار غیر اجتماعی، پرخاشگری و رفتار تکانشگری، برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود و رابطه با همسالان. داده‌های به‌دست آمده با استفاده از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) و تحلیل واریانس یک‌طرفه تحلیل شدند. **یافته‌ها:** نتایج نشان دادند که (۱) دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی و اوتیسم با دانش‌آموزان عادی در مولفه مهارت‌های اجتماعی مناسب تفاوت معنادار دارند. (۲) در زمینه مولفه پرخاشگری و رفتارهای تکانشگری فقط دانش‌آموزان دارای نارسایه ویژه در یادگیری با دانش‌آموزان عادی، تفاوت معنادار داشتند. (۳) در مولفه برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود داشتن و همچنین رابطه با همسالان، فقط در بین دانش‌آموزان اوتیسم با دانش‌آموزان عادی تفاوت معنادار مشاهده شد. **نتیجه‌گیری:** براساس نتایج این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که دانش‌آموزان با نارسایه‌های ویژه در یادگیری، کم‌توان ذهنی، اوتیسم و عادی در مولفه‌های مختلف مهارت‌های اجتماعی باهم تفاوت دارند؛ بنابراین در آموزش مهارت‌های اجتماعی به این گروه‌ها بایستی این مولفه‌ها را در نظر گرفت.

**واژه‌های کلیدی:** مهارت‌های اجتماعی، کم‌توان ذهنی، اوتیسم، نارسایه‌های ویژه در یادگیری، دانش‌آموزان عادی

۱. نویسنده مسئول: استادیار دانشگاه پیام نور- گروه روان‌شناسی  
۲. کارشناس ارشد کودکان استثنایی و مدرس دانشگاه پیام نور مرکز تبریز

## مقدمه

مهارت‌های اجتماعی از جمله موضوعاتی است که در دهه‌های اخیر، توجه بسیاری را جلب کرده است. پژوهشگران و صاحب نظران مهارت‌های اجتماعی را به‌مثابه ارتباط موثر با دیگران و پذیرش از طرف آنها (هالینگر، ۱۹۸۷)، پیش‌بینی پیامدهای مهم اجتماعی (گرشام و الیوت، ۱۹۸۷)، قضاوت شایسته دیگران (شلونت و مک فال، ۱۹۸۵)، شروع و تداوم ارتباط سالم و سازنده با دیگران به ویژه همسالان و به دنبال آن، افزایش بهداشت روانی (اشنایدر، رایین و لدینگهام، ۱۹۸۵؛ بولکلی و کرامر، ۱۹۹۴) و در نهایت، انجام رفتارهای سخاوتمندانه، همدلانه و یاری‌گرانه (مریل و گیمل، ۱۹۹۸) تعریف کرده اند. نقش مهارت‌های اجتماعی در رشد و تحول کودکان انکارناپذیر است. پژوهشگران نشان داده‌اند که نقص مهارت‌های اجتماعی در دوران کودکی با مشکلات سازگاری در دوره‌های بعدی (ماتسون، روتاتوری و هلسل، ۱۹۸۳)، اختلال سلوک و بزهکاری در سنین نوجوانی (بولکلی و کرامر، ۱۹۹۴)، ترک تحصیل (مریل و گیمل، ۱۹۹۸)، و مشکلات بهداشت روانی در بزرگسالی (ایسنبرگ و همکاران، ۱۹۹۵) ارتباط دارد.

گروه‌های مختلف کودکان استثنایی، نقص در مهارت‌های اجتماعی را به اشکال گوناگون نشان می‌دهند. نتایج پژوهش پورمودت و بشاش (۱۳۸۸) نشان دادند که سیر تحول رشد شناختی اجتماعی در کودکان ناتوان ذهنی کند است. ماتسون و هامیر (۱۹۹۶) گزارش کرده‌اند که بازشناسی نشانه‌های اجتماعی و همچنین پاسخهای مناسب به موقعیت‌های خاص در افراد دچار کم‌توانی ذهنی، خیلی دشوار است، بالاخص در افرادی که دچار نقایص زبان دریافتی و بیانی هستند. نمونه‌هایی از رفتار مناسب اجتماعی در بین کم‌توانان ذهنی این است که آنها نسبت به افراد آشنا مهر و محبت بیشتری نشان می‌دهند، بدون اینکه از آنها خواسته شود آنچه را که دارند، با دیگران تقسیم می‌کنند و از قوانین جامعه تبعیت می‌کنند (ماتسون، ۱۹۹۵). نمونه‌هایی از رفتار نامناسب در بین

این افراد، عدم ارتباط اجتماعی و اجتناب از تماس چشمی با دیگران است (ماتسون، مایویل، لوت، بلیک و لوگان، ۲۰۰۳).

بررسیها نشان داده‌اند که در حدود ۷۵ درصد دانش‌آموزان با نارساییهای ویژه در یادگیری در مهارت‌های اجتماعی نقص دارند (کنت و آندروز، ۱۹۹۳). همکلاسان این کودکان، آنها را به علت مشکلات میان‌فردی با همسالان، اغلب طرد می‌کنند یا نادیده می‌گیرند. عدم پذیرش از سوی اطرافیان و همسالان، بدبینی کودک به درس و مدرسه، گوشه‌گیری، تنهایی و افت تحصیلی کودک را به دنبال دارد (هاگر و واگن، ۱۹۹۵). مشکل اساسی و پایه در نارساییهای ویژه در یادگیری، اختلال در پردازش اطلاعات (توجه، درک، حافظه و زبان) است که بر روی تفکر، گوش دادن و صحبت کردن کودک تاثیر می‌گذارد. مهم‌ترین بخش زندگی که در آن همه این عناصر باهم درگیر هستند، تعاملات میان‌فردی است. بنابراین در درمان این کودکان، تنها توجه به پردازش اطلاعات در خواندن، نوشتن و ریاضی و چشم‌پوشی از اهمیت تعاملات اجتماعی، درک ما را از اهمیت مشکل در ناتوانی یادگیری و توانایی کمک به آنها محدود خواهد کرد (بریان، ۱۹۹۸).

مهارت‌های اجتماعی کودکان با نارساییهای ویژه در یادگیری و عادی، در پژوهشهای مختلفی مورد توجه قرار گرفته است؛ برای مثال، شهیم (۱۳۸۲) نشان داده است که کودکان با نارسایی ویژه در یادگیری در محیط خانه، دارای کاستی مهارت‌های اجتماعی و رفتار نامناسب هستند. واگن و همکاران (۱۹۹۳) نیز طی بررسی طولی چهار ساله‌ای، گروهی از کودکان با نارساییهای ویژه در یادگیری و یادگیرندگان ضعیف را مقایسه و تفاوت معناداری را میان این دو گروه و کودکان عادی گزارش کرده‌اند. عده‌ای از صاحب نظران، نقص مهارت اجتماعی کودکان با نارساییهای ویژه در یادگیری را چنان بااهمیت دانسته‌اند که پیشنهاد لحاظ کردن ضعف مهارت‌های اجتماعی در تعریف نارساییهای ویژه در یادگیری با ICLD را

تغییر جهت از یک محرک به محرک دیگر، دچار مشکل باشند. لذا نقص کودکان اوتیستیک، کنترل جنبه‌های برانگیختگی توجه است. این بیماران در تغییر توجه، اختلال نشان می‌دهند و حواسشان به آسانی به محرکات نامربوط جلب می‌شود. این الگوی نقص توجه در بیماران مبتلا به اوتیسم را می‌توان از بیماران مبتلا به اختلال کمبود توجه/ بیش‌فعالی تفکیک کرد، به طوری که بیماران مبتلا به اختلال دوم، نقص کمتری در تغییر توجه و در عین حال نقص شدیدتری در حفظ توجه و کنترل تکانه‌ها دارند، در صورتی که در بیماران اوتیستیک، توانایی حفظ توجه به نسبت کمتری دچار افت می‌شود (میرابزاده، اردکانی ۱۳۸۰). کم‌توانان ذهنی و افراد دچار اوتیسم، از لحاظ نارساییهای تعاملات اجتماعی اشتراکاتی دارند که معمولاً با نقایص ارتباطی همراه هستند (بیدل- براون و همکاران، ۲۰۰۲؛ نجاردویک، ماتسون و چیری، ۱۹۹۹).

بنابر آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که هر کدام از گروههای دانش‌آموزان با نارساییهای ویژه در یادگیری، کم‌توان‌ذهنی و اوتیسم در زمینه مهارتهای اجتماعی، دارای مشکلاتی هستند. این پژوهش در پی دستیابی به میزان این مشکلات در هر یک از این گروهها، تفاوتها یا شباهتهای احتمالی بین آنها و دانش‌آموزان عادی است؛ به عبارت دیگر هدف اصلی پژوهش حاضر، پاسخ به این سوال است که: آیا در هر یک از مولفه‌های مهارتهای اجتماعی، بین دانش‌آموزان عادی و هر یک از دانش‌آموزان دچار کم‌توانی ذهنی، اوتیسم و نارساییهای ویژه در یادگیری تفاوت معناداری وجود دارد یا نه؟

## روش

### طرح پژوهش، جامعه و نمونه آماری

این پژوهش، از نوع تحقیقات کاربردی است و اجرای آن با روش تحقیق زمینه‌ای<sup>۲</sup> محقق می‌شود (نادری و سیف نراقی، ۱۳۸۹؛ گراوتر و فورزانو، ۱۳۸۹). تعداد کل افراد نمونه در این پژوهش ۲۲۵ نفر به تفکیک ۶۷ دانش‌آموز با نارساییهای ویژه در

مطرح کرده‌اند. علی‌رغم این واقعیت که نقص مهارت اجتماعی در تعریف نارساییهای ویژه در یادگیری اضافه نشده است، با این حال اهمیت آن در رابطه با پیشرفت تحصیلی کودکان، همچنان باقی است. بررسیها نشان می‌دهند که این کودکان در مهارت حل مسئله اجتماعی یا میان‌فردی به عنوان یک بعد مهم و پیچیده، قابلیت اجتماعی دارای کاستیهایی هستند و از این نظر در سطحی پایین‌تر از کودکان عادی قرار دارند (تورو، ویسبرگ، گوار و لایبن‌اشتین، ۱۹۹۰).

کودکان با نارساییهای ویژه در یادگیری، از دیدگاه پردازش اطلاعات اجتماعی نیز دارای مشکلاتی در موقعیتهای اجتماعی هستند. شلتون، آناستوپولوس و لیندن (۱۹۸۵) دریافتند که این کودکان در تعاملات اجتماعی در اسناد نسبت به افراد، دچار مشکل هستند. لاجمن، وایلند و وایت (۱۹۹۳) نشان دادند که پاسخ رفتاری این کودکان در موقعیتهای حل مسئله اجتماعی، بستگی به هدفهای آنان دارد. شانگ (۱۹۸۹) دریافت که ادراک خودکارآمدی این کودکان به‌طور کلی، پایین‌تر از کودکان عادی است. اشنایدر و یوشیدا (۱۹۸۸) نیز نشان دادند که این کودکان معمولاً هدفها و راه‌حلهایی را انتخاب می‌کنند که پیامدهای اجتماعی پسندیده‌ای ندارند.

در میان گروههای مختلف کودکان با نیازهای ویژه، دسته دیگری از کودکان که در زمینه ارتباطات اجتماعی و همچنین در زمینه رفتاری مشکلات فراوانی دارند، کودکان مبتلا به اختلال اوتیسم هستند. اختلال اوتیسم نوعی اختلال فراگیر رشدی است که سه خصوصیت اساسی آن عبارت‌اند از: (۱) نقص کیفی در روابط اجتماعی، (۲) نقص شدید در برقراری ارتباط، و (۳) الگوهای رفتار محدود، تکراری و کلیشه‌ای (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، به نقل از اسمیت و ماتسون، ۲۰۱۰). در افراد اوتیستیک، معمولاً علاوه بر توجه بیش از حد به بعضی از محرکات، نقصی هم در تغییر توجه وجود دارد. به نظر می‌رسد تقریباً همه این کودکان، حتی کودکانی که عملکرد بالا و ضریب هوشی در سطح طبیعی دارند، در

اطمینان زیاد به خود، شامل رفتارهایی در مورد به خود نازیدن و به دیگران پز دادن، تظاهر به دانستن همه چیز و خود را برتر از دیگران دیدن هستند. (۵) رابطه با همسالان شامل تنهایی، حسادت، دوستی و بازی با بچه‌های دیگر است.

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مقیاس مهارت‌های اجتماعی ماتسون، از همسانی درونی، پایایی بازآزمایی بالا و روایی افتراقی قابل قبولی برخوردار است (ماتسون و الندیک، ۱۹۸۸؛ ماتسون، روتاتوری و هلسل، ۱۹۸۳). در ایران مقیاس مهارت‌های اجتماعی ماتسون را یوسفی و خیر (۱۳۸۱) بر روی ۵۶۲ نفر دانش‌آموز دختر و پسر شهر شیراز مورد بررسی قرار داده‌اند که روایی آن مطلوب و مناسب و همچنین پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تنصیف برای کل مقیاس ۰/۸۶ گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های مهارت‌های اجتماعی به شرح زیر به دست آمد: مهارت‌های اجتماعی مناسب:  $\alpha = 0/97$ ، رفتار غیراجتماعی:  $\alpha = 0/90$ ، پرخاشگری و رفتار تکانشی:  $\alpha = 0/94$ ، برتری طلبی و اطمینان زیاد به خود داشتن:  $\alpha = 0/94$ ، رابطه با همسالان:  $\alpha = 0/97$ .

#### یافته‌ها

برای تعیین تفاوت‌های بین گروه‌های کم‌توان ذهنی، اوتیسم، نارسایی‌های ویژه در یادگیری و عادی در متغیرهای مربوط به مهارت‌های اجتماعی از تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) استفاده شد و نمرات مقیاس‌های مهارت‌های اجتماعی مناسب، رفتار غیراجتماعی، پرخاشگری و رفتار تکانشگری، برتری طلبی و اطمینان زیاد به خود و همچنین رابطه با همسالان به عنوان متغیرهای وابسته وارد تحلیل شدند. فرض همگنی ماتریس‌های واریانس-کوواریانس با شاخص Box's M قبل از تحلیل بررسی شد. آزمون همگنی ماتریس‌های پراکنندگی معنادار نبود. این نشان می‌دهد که فرض اساسی MANOVA برآورده شده است. نتایج آزمون‌های چندمتغیری تفاوت معناداری

یادگیری، ۶۲ دانش‌آموز کم‌توان ذهنی، ۳۰ دانش‌آموز اوتیسم و ۶۵ دانش‌آموز عادی بودند که از مدارس شهر تبریز به شیوه تصادفی، انتخاب شده بودند. آزمودنی‌های انتخاب‌شده در یکی از پایه‌های اول تا پنجم ابتدایی مدرسه خود در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ مشغول به تحصیل بودند و در این پژوهش دانش‌آموزان دارای نقایص بینایی، شنوایی، جسمی-حرکتی و همچنین اختلالات رفتاری، از نمونه آماری کنار گذاشته شدند.

#### ابزار اندازه‌گیری

برای جمع‌آوری اطلاعات، از پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی ماتسون استفاده شد. مقیاس سنجش مهارت‌های اجتماعی ماتسون فرم کودکان را ماتسون و همکارانش در سال ۱۹۸۳ برای سنجش مهارت‌های اجتماعی افراد ۴ تا ۱۸ ساله تدوین کرده‌اند. در اصل این پرسشنامه را باید خود فرد تکمیل کند ولی چون آزمودنی‌های مورد نظر این پژوهش، قادر به این کار نبودند، از این رو تغییراتی در افعال جملات (به سوم شخص) داده شد تا معلم‌ان بعد از مشاهده یک هفته‌ای دانش‌آموزان، آن را تکمیل کنند. پاسخ‌های داده‌شده به این مقیاس براساس شاخص ۵ درجه‌ای از نوع مقیاس لیکرت با دامنه‌ای از ۱ (هرگز) تا ۵ (همیشه) نمره‌گذاری شده است. این مقیاس شامل ۵۶ عبارت است که عوامل زیر را می‌سنجند (یوسفی و خیر، ۱۳۸۱): (۱) مهارت‌های اجتماعی مناسب که رفتارهای اجتماعی مناسب، از قبیل داشتن ارتباط دیداری با دیگران، مودب بودن، به کار بردن نام دیگران و اشتیاق به تعامل با دیگران به طریقی مفید و موثر را در برمی‌گیرد. (۲) رفتارهای غیراجتماعی شامل رفتارهایی مانند دروغ گفتن، کتک‌کاری، خرده گرفتن بر دیگران، ایجاد صداهای ناهنجار و ناراحت‌کننده و زیرقول خود زدن هستند. (۳) پرخاشگری و رفتارهای تکانشی، شامل رفتارهایی مانند به آسانی عصبانی شدن، یک‌دندگی و لجاجت‌بازی، دعوا و مرافعه راه انداختن، قلدری و کتک‌کاری می‌شوند. (۴) برتری طلبی و

انجام شد. جدول ۱ نتایج آزمونهای تک‌متغیری تحلیل واریانس در متغیرهای مهارت‌های اجتماعی مناسب، رفتار غیراجتماعی، پرخاشگری و رفتار تکانشگری، برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود و همچنین رابطه با همسالان را نشان می‌دهد.

بین گروه‌های مختلف در مهارت‌های اجتماعی نشان می‌دهند ( $\Lambda = 0/503$ ) لامبدای ویلکز،  $10/522 = F(15 و 558)$ ،  $P < 0/001$  و  $\eta^2 = 0/205$ . تحلیل واریانس یک‌طرفه (ANOVA) برای هر متغیر وابسته، به‌عنوان آزمون تکمیلی تحلیل واریانس چندمتغیری

جدول ۱- نتایج حاصل از آزمونهای F تک متغیری براساس گروه‌ها در متغیرهای مربوط به مهارت‌های اجتماعی

منابع تغییرات	SS	df	F	سطح معناداری	مجذور اتای تفکیکی
مهارت‌های اجتماعی مناسب	۱۹۸۴۹/۴۰۱	۳	۲۸/۷۲۵	۰/۰۰۰۱	۰/۲۹۵
رفتار غیر اجتماعی	۲۸۸۵/۷۴۳	۳	۱۲/۰۰۵	۰/۰۰۰۱	۰/۱۴۹
پرخاشگری و رفتار تکانشگری	۳۹۵۹/۰۳۶	۳	۱۱/۷۹۵	۰/۰۰۰۱	۰/۱۴۷
برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود	۱۳۹۱/۲۰۱	۳	۱۰/۳۳۰	۰/۰۰۰۱	۰/۱۳۱
رابطه با همسالان	۲۶۴۴/۷۳۶	۳	۲۸/۸۵۷	۰/۰۰۰۱	۰/۲۹۶
<hr/>					
مهارت‌های اجتماعی مناسب	۴۷۴۴۹/۶۶۶	۲۰۶			
رفتار غیر اجتماعی	۱۶۵۰۵/۳۸۱	۲۰۶			
پرخاشگری و رفتار تکانشگری	۲۳۰۴۸/۶۶۰	۲۰۶			
برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود	۹۲۴۷/۷۹۵	۲۰۶			
رابطه با همسالان	۶۲۹۳/۳۷۹	۲۰۶			
<hr/>					
مهارت‌های اجتماعی مناسب	۶۳۳۶۸۴	۲۱۰			
رفتار غیراجتماعی	۱۰۸۳۴۲	۲۱۰			
پرخاشگری و رفتار تکانشگری	۱۳۷۰۸۸	۲۱۰			
برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود	۶۳۴۷۵	۲۱۰			
رابطه با همسالان	۱۷۰۵۶۸	۲۱۰			

بن‌فرونی برابر  $0/01$  به‌دست آمد؛ بنابراین، سطح معناداری هر کدام از متغیرهای وابسته  $0/01$  در نظر گرفته شد. جدول ۳ تفاوت‌های میانگین بین گروه‌های مختلف در خرده‌مقیاس‌های مهارت‌های اجتماعی را نشان می‌دهد. میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های متغیرهای وابسته نیز جهت مقایسه ظاهری در جدول ۲ نشان داده شده است.

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود تفاوت‌های معناداری بین گروه‌ها در تمامی متغیرهای مهارت‌های اجتماعی وجود دارد. با توجه به اینکه پنج متغیر وابسته (مهارت‌های اجتماعی مناسب، رفتار غیراجتماعی، پرخاشگری و رفتار تکانشگری، برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود و رابطه با همسالان) وجود داشت با تقسیم  $0/05$  بر ۵ آلفای تصحیح‌شده

جدول ۲- میانگین و انحراف استاندارد نمرات خرده‌مقیاس‌های مهارت‌های اجتماعی در بین گروه‌های مختلف

گروه‌ها								خرده‌مقیاسها
عادی		نارسایی‌های ویژه در یادگیری		اوتیسم		کم‌توان ذهنی		
SD	M	SD	M	SD	M	SD	M	
۱۷/۷۱۳	۶۰/۰۵	۱۱/۱۲۱	۵۵/۷۶	۱۲/۵۷۹	۲۷/۳۷	۱۷/۰۱	۴۹/۳۵	مهارت‌های اجتماعی مناسب
۱۰/۲۹۴	۲۲/۳۹	۵/۴۳۸	۱۵/۷۲	۵/۸۴۴	۱۸/۶۲	۱۱/۲۵۱	۲۴/۷۸	رفتار غیر اجتماعی
۱۲/۲۰۶	۲۴/۵۴	۴/۱۴۶	۱۷/۵۴	۷/۲۱۲	۱۹/۸۷	۱۴/۱۴۹	۲۸/۲۳	پرخاشگری و رفتار تکانشگری
۷/۶۹۵	۱۷/۴۹	۵/۴۵۵	۱۷/۰۸	۵/۴۰۵	۹/۰۰	۷/۲۶۹	۱۵/۶۳	برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود
۷/۰۳۹	۲۹/۸۲	۳/۵۹۴	۲۹/۷۴	۴/۶۴۲	۱۸/۳۷	۵/۸۱۹	۲۷/۲۲	رابطه با همسالان

جدول ۳- تفاوت‌های میانگین بین گروه‌های مختلف در خرده‌مقیاس‌های مهارت‌های اجتماعی

گروه‌ها				خرده‌مقیاسها		
عادی		نارسایی‌های ویژه در یادگیری		اوتیسم	کم‌توان ذهنی	
-۱۰/۶۹۹*		-۶/۴۱۹		۲۱/۹۷۵**	-	مهارت‌های اجتماعی مناسب کم‌توان ذهنی
-۳۲/۶۷۴**		-۲۸/۳۹۴**		-	-	اوتیسم نارسایی‌های ویژه در یادگیری
-۴/۲۸۰		-		-	-	
۲/۳۹۰		۹/۰۶۰**		۶/۱۵۸	-	رفتار غیر اجتماعی کم‌توان ذهنی
-۳/۳۶۸		۲/۹۰۲		-	-	اوتیسم نارسایی‌های ویژه در یادگیری
-۶/۶۷۰**		-		-	-	
۳/۶۹۲		۱۰/۶۹۵**		۸/۳۵۸*	-	پرخاشگری و رفتار تکانشگری کم‌توان ذهنی
-۴/۶۶۶		۲/۳۳۷		-	-	اوتیسم نارسایی‌های ویژه در یادگیری
-۷/۰۰۳*		-		-	-	
-۱/۸۵۸		-۱/۴۴۴		۶/۶۳۳**	-	برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود کم‌توان ذهنی
-۸/۴۹۲**		-۸/۰۷۷**		-	-	اوتیسم نارسایی‌های ویژه در یادگیری
-۰/۴۱۵		-		-	-	
-۲/۶۰۳		-۲/۵۲۲		۶/۸۱۸۴۲**	-	رابطه با همسالان کم‌توان ذهنی
-۱۱/۴۴۵**		-۱۱/۳۶۳**		-	-	اوتیسم نارسایی‌های ویژه در یادگیری
-۰/۰۸۱		-		-	-	

\*P<۰/۰۱ و \*\* P<۰/۰۰۱

بین میانگین نمرات رفتار غیراجتماعی دانش‌آموزان با نارسایی‌های ویژه در یادگیری و دانش‌آموزان دارای کم‌توانی ذهنی و عادی نیز تفاوت معناداری است. دانش‌آموزان با نارسایی‌های ویژه در یادگیری از رفتارهای غیراجتماعی پایین‌تری برخوردار هستند.

نتایج جدول ۳ همچنین نشان می‌دهد که بین میانگین نمرات پرخاشگری و رفتار تکانشگری دانش‌آموزان دارای کم‌توانی ذهنی با دانش‌آموزان اوتیسم و نارسایی‌های ویژه در یادگیری، تفاوت

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود بین میانگین نمرات مهارت‌های اجتماعی مناسب دانش‌آموزان اوتیسم با دانش‌آموزان دارای کم‌توان ذهنی، نارسایی‌های ویژه در یادگیری و عادی تفاوت معناداری وجود دارد. مقایسه میانگین‌های نمرات نشان می‌دهد که دانش‌آموزان اوتیسم در مقایسه با دیگر گروه‌ها از مهارت‌های اجتماعی مناسب برخوردار نیستند. همچنین بین دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی و دانش‌آموزان عادی نیز در مهارت‌های اجتماعی مناسب، تفاوت معناداری مشاهده می‌شود.

اجتماعی نیز دچار مشکل هستند و برای اینکه کودکان کم‌توان ذهنی بتوانند خود را با زندگی اجتماعی سازگار نمایند، باید مهارت‌هایی را که بیشتر در حوزه خودیاری است، کسب کنند. از این رو، هدف اصلی آموزش و پرورش کودکان کم‌توان ذهنی بایستی سازگاری اجتماعی و پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی باشد.

بخش دیگری از نتایج نشان داد که در مولفه‌های برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود و همچنین رابطه با همسالان دانش‌آموزان اوتیسم با دانش‌آموزان عادی تفاوت معنادار دارند ولی در مولفه رفتار غیراجتماعی و مولفه پرخاشگری و رفتارهای تکانشگری، فقط دانش‌آموزان دارای نارسایی‌های ویژه در یادگیری با دانش‌آموزان عادی، تفاوت معنادار نبود. بسیاری از افراد مبتلا به اوتیسم، فقط برای پاسخ به زیر مجموعه‌ای از سرنخ‌های محیطی، توجه بیش از حد نشان می‌دهند. در واقع این بیماران به‌طور اختصاصی، از محرکات مشخص اجتماعی اجتناب می‌ورزند که احتمالاً به این علت است که قادر به فهم معنای آن محرکات نیستند (میرابزاده، اردکانی ۱۳۸۰).

درباره مولفه رفتار غیراجتماعی، نتیجه قابل‌تأملی به دست آمده است؛ به این صورت که تنها بین دانش‌آموزان عادی و دانش‌آموزان دارای نارسایی ویژه در یادگیری تفاوت معناداری حاصل شده است و در مورد دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی و اوتیسم با دانش‌آموزان عادی، چنین نتیجه‌ای به دست نیامد. کاستی مهارت‌های اجتماعی کودکان با نارسایی‌های ویژه در یادگیری، در برخورد با همسالان همواره مورد توجه بوده است (فاکس، ۱۹۸۹؛ کافمن، آگارد و سمل، ۱۹۸۵؛ برایان، ۱۹۷۴؛ برایان و برایان، ۱۹۷۸؛ کابل، استرین و هندریکسون، ۱۹۷۹؛ لاگراسا و مسیو، ۱۹۷۹). بررسی‌های متعدد نشان می‌دهد که کمبود مهارت‌های اجتماعی، تاثیر منفی بر کارکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارد (پارکر و آشر، ۱۹۷۸)، مشکلات یادگیری را تشدید می‌کند و مانع پیشرفت

معناداری وجود دارد. دانش‌آموزان دارای کم‌توانی ذهنی، از رفتارهای پرخاشگری و رفتار تکانشی بیشتری برخوردار هستند. بین دانش‌آموزان با نارسایی‌های ویژه در یادگیری و عادی نیز از لحاظ پرخاشگری و رفتار تکانشی تفاوت معناداری مشاهده شد. دانش‌آموزان عادی در مقایسه با دانش‌آموزان دارای نارسایی‌های ویژه در یادگیری پرخاشگرترند و رفتارهای تکانشی بیشتری دارند.

بین میانگین نمرات برتری‌طلبی و اعتماد به نفس دانش‌آموزان اوتیسم با دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی، نارسایی‌های ویژه در یادگیری و عادی تفاوت معناداری مشاهده می‌شود. مقایسه میانگین‌های نمرات نشان می‌دهد که دانش‌آموزان اوتیسم در مقایسه با دیگر گروه‌ها از حس برتری‌طلبی و اعتماد به نفس کمتری برخوردارند.

نتایج همچنین حاکی از آن است که بین میانگین نمرات رابطه با همسالان دانش‌آموزان اوتیسم با دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی، نارسایی‌های ویژه در یادگیری و عادی، تفاوت معناداری وجود دارد. مقایسه میانگین‌های نمرات نشان می‌دهد که دانش‌آموزان اوتیسم در مقایسه با دیگر گروه‌ها نمی‌توانند با همسالان خودشان رابطه خوبی برقرار کنند.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، مقایسه مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی، اوتیسم، نارسایی‌های ویژه در یادگیری و عادی بود. نتایج نشان داد که در مولفه مهارت‌های اجتماعی مناسب دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی و اوتیسم با دانش‌آموزان عادی تفاوت معنادار دارند. همسو با این نتایج، ماتسون و هامیر (۱۹۹۶) بر این باورند که بازشناسی نشانه‌های اجتماعی در افراد دچار کم‌توانی ذهنی و همچنین پاسخ‌های مناسب به محیط‌های خاص، بالاخص در افرادی که دچار نقایص زبان دریافتی و بیانی هستند، خیلی دشوار است. تعریف کم‌توانی ذهنی نیز نشان می‌دهد که این کودکان نه تنها از نظر رشد شناختی، بلکه در رشد

یکسانی به دست آمد. به این صورت که فقط دانش‌آموزان اوتیسم با دانش‌آموزان عادی و حتی با دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی و نارساییهای ویژه در یادگیری، در هر دو مولفه مذکور تفاوت معناداری داشته‌اند که با پژوهشهای قبلی در این زمینه همخوانی دارد. در واقع کودکان اوتیسم درک نمی‌کنند که دیگران دارای عقاید و اندیشه‌هایی هستند و همچنین این موضوع را درک نمی‌کنند که آنها می‌توانند از اعمال و گفتار دیگران، به‌مثابه راهنمایی در جهت تنظیم روابط دوطرفه و تعاملات اجتماعی سود جویند. این مشکل، منجر به تصویر اضطراب‌آور و گیج‌کننده‌ای از زندگی اجتماعی می‌شود و در نهایت به گوشه‌گیری و رفتارهای انزواطلبانه و اجتنابی ختم می‌گردد (میرابزاده، اردکانی، ۱۳۸۰). ماتسون، فوستاد و ریوت (۲۰۰۹) مشکلات رفتاری و مهارت‌های اجتماعی را در بین نمونه بزرگی از بزرگسالان دچار کم‌توانی ذهنی در مقایسه با اوتیسم مورد بررسی قرار دادند. آنها گزارش کرده‌اند که افراد دچار اوتیسم، در مقایسه با افرادی که فقط دچار کم‌توانی ذهنی هستند، نارسایی اجتماعی بیشتری دارند. بنابر آنچه که در مورد دو مولفه اخیر گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که چون برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود به مثابه نوعی توانایی درون‌فردی و داشتن رابطه خوب با همسالان گونه‌ای توانایی بین‌فردی قلمداد می‌شود، پس دانش‌آموزان اوتیسم دارای مشکلات درون‌فردی و برون‌فردی زیادی هستند.

نتیجه‌نهایی که می‌توان از این پژوهش گرفت آن است که هرچند نقص در مهارت‌های اجتماعی در بین دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی، اوتیسم و نارساییهای ویژه در یادگیری، به نوعی از ویژگیهای بارز آنها تلقی شده است، که مورد توجه، مشاهده و یا گزارش فراوان معلمان یا والدین واقع شده است؛ ولی مهارت‌های اجتماعی موضوعی پیچیده و دارای ابعاد گوناگونی است که هر یک از دانش‌آموزان یادشده، در آن ابعاد به یک شکل عمل نمی‌کنند و تفاوت‌های زیادی بین آنها از این نظر وجود دارد.

کودک می‌شود (لاگراسا و استون، ۱۹۹۰) و سرانجام به عواقب نامطلوب در دوران تحصیل می‌انجامد (گرشام و الیوت، ۱۹۸۹). کودکان مبتلا به نارساییهای ویژه در یادگیری مورد توجه همسالان نیستند (گرشام، ۱۹۸۱؛ لاگراسا و مسیبو، ۱۹۷۹) و دارای مشکلات متعدد برقراری روابط اجتماعی هستند (هایزل و شومیکر، ۱۹۸۵؛ پرل، دانا هیو و برایان، ۱۹۸۶؛ واگن و لاگراسا، ۱۹۸۸، ۱۹۹۲؛ وینر، ۱۹۸۷). کودکان دارای نارساییهای ویژه در یادگیری از دید گروه همسالان و هم‌کلاسیهای خود، دارنده موقعیت اجتماعی پایینی شمرده می‌شوند؛ از این رو از سوی همسالان خود پذیرفته نمی‌شوند و طرد می‌شوند (هاگر و واگن، ۱۹۹۵؛ واگن و سیناگوب، ۱۹۹۸). بنابراین انتخاب اهداف اجتماعی نامناسب از سوی کودکان مورد بررسی دچار نارساییهای ویژه در یادگیری می‌تواند نشان دهنده پذیرفته نشدن آنها یا نادیده گرفته شدن آنها از سوی همسالان باشد که خود کناره‌گیری کودک دارای نارساییهای ویژه در یادگیری از موقعیتهای میان‌فردی و احساس ناخوشایند نسبت به همسالان را در پی دارد. پس می‌توان گفت که چون برخلاف دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی و اوتیسم، دانش‌آموزان دارای نارساییهای ویژه در یادگیری مدرسه و هم‌کلاسیهای با مشکل مشابه ندارند. احتمالاً بیشتر از آنها از طرف هم‌کلاسیهای خود، مورد بی‌توجهی و بی‌مهری واقع می‌شوند که موجب می‌شود این دانش‌آموزان به دروغ گفتن، کتک‌کاری، خرده گرفتن از دیگران و رفتارهای مشابه آن، تمایل داشته باشند. نکته جالب توجه اینکه در زمینه مولفه پرخاشگری و رفتار تکانشگری نیز نتیجه‌ای مشابه با نتیجه مولفه رفتار غیراجتماعی به دست آمد که می‌توان تبیین ارائه شده برای مولفه رفتارهای غیراجتماعی را در مورد این مولفه نیز صادق دانست.

درباره مولفه برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود داشتن و همچنین مولفه رابطه با همسالان، نتیجه



۱۳۸۷) و سطح تحصیلات والدین به خصوص مادران (شاهی، میرزمانی بافقی، افروز، پورمحمدرضای تجرشی و صالحی، ۱۳۸۸) بر پرورش مهارت‌های اجتماعی اشاره کرده‌اند.

با توجه به اینکه در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی فرم معلم استفاده شده است، پیشنهاد می‌شود برای تکمیل اطلاعات در پژوهش‌های بعد از فرم مخصوص والدین و در صورت امکان از فرم دانش‌آموز نیز استفاده شود. برای ارزیابی دقیق‌تر و عینی‌تر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان همچنین پیشنهاد می‌شود در تحقیقات بعدی از روش مشاهده با استفاده از دوربین‌های فیلم‌برداری استفاده شود یا اینکه پژوهشگر با حضور در کلاس و موقعیت‌های خارج از کلاس و با استفاده از چک‌لیست یا فهرست واریسی به ارزیابی دقیق این مهارت‌ها بپردازد.

همچنین با توجه به اینکه در پژوهش حاضر فقط به مقایسه مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان برخی گروه‌های مختلف اکتفا شده است، بنابراین پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های بعدی حوزه عمل گسترده‌تر شود و ارتباط بین مهارت‌های اجتماعی با متغیرهای دیگری از قبیل سطوح گوناگون بهره‌هوشی، پیشرفت تحصیلی، توانایی‌های شناختی و عاطفی از جمله بینش هیجانی بررسی شود و بهتر است که این موضوع بین سایر دانش‌آموزان استثنایی مانند نابینایان و ناشنویان دارای اختلالات گفتاری نیز انجام گیرد.

با توجه به محدودیت‌های سنی، مقطع تحصیلی، موقعیت‌های جغرافیایی و فرهنگی دانش‌آموزان مورد مطالعه پیشنهاد می‌شود که این تحقیق با دیگر گروه‌ها، موقعیت‌ها و فرهنگ‌ها انجام شود.

#### یادداشت

- 1) Interagency Committee for Learning Disabilities (ICLD)
- 2) survey reserch

#### تشکر و سپاسگزاری

از همکاران، مدیران و معلمان عزیز مدارس کودکان استثنایی و عادی شهر تبریز که در انجام این پژوهش ما را یاری کردند، قدردانی می‌شود.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که دانش‌آموزان گروه‌های مختلف استثنایی، هر یک در برخی از مولفه‌های مهارت‌های اجتماعی به نوعی دچار مشکلاتی هستند؛ بنابراین دست اندرکاران و معلمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی، بایستی به این امر مهم عنایت ویژه داشته باشند و با برنامه‌ریزی‌های لازم به همراه آموزش مهارت‌های تحصیلی و آموزشی، به پرورش مهارت‌های اجتماعی در این گروه‌ها اقدام کنند. خوشبختانه نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در ایران، اثربخشی روش‌های مختلف آموزش مهارت‌های اجتماعی را در جوامع آماری مختلف نشان داده‌اند؛ برای مثال، نریمانی، بیابانگرد و رجبی (۱۳۸۵) گزارش کرده‌اند که اجرای روان‌نمایشگری بر مهارت‌های میان‌فردی دانش‌آموزان نارساخوان پایه پنجم ابتدایی اثر معنادار دارد. نتایج پژوهش بهمن‌زادگان جهرمی، یار محمدیان و موسوی (۱۳۸۷) حاکی از آن است که آموزش مهارت‌های اجتماعی از طریق داستان‌های اجتماعی موجب کاهش رفتارهای اوتیستیک و بهبود رشد اجتماعی در آزمودنی‌ها می‌شود. فهامی و عزتی (۱۳۸۸) و یاریاری، کدیور و میرزاخانی (۱۳۸۷) نیز نشان داده‌اند که یادگیری مشارکتی، بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان مقاطع ابتدایی و دبیرستان موثر است. کریمی، کیخاوی و محمدی (۱۳۸۹) نیز به این نتیجه دست یافته‌اند که آموزش مهارت‌های اجتماعی باعث کاهش نشانگان اختلالات رفتاری کودکان دبستانی می‌شود. ارجمندی و بیان‌زاده (۱۳۸۲) نیز که تاثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر رفتار سازگارانۀ کودکان عقب‌مانده ذهنی خفیف را بررسی کرده بودند، گزارش کرده‌اند که گروه آزمایش آنها پس از پایان جلسات آموزشی، بهبودی معناداری را در زمینه رفتار سازگارانۀ (مجموع مهارت‌های زندگی روزمره و اجتماعی شدن) و مهارت‌های اجتماعی پیدا کرده‌اند. بررسی‌های پیگیری آنها نیز نشان داده است که بهبودهای به دست آمده از آموزش، دو ماه پس از پایان آموزش نیز همچنان حفظ شده است. علاوه بر موارد فوق در برخی از پژوهش‌ها بر تاثیر جو اجتماعی مدارس (طالب‌زاده نوبریان، صالح صدق‌پور و کرامتی،

منابع

- ۸۸-۸۷. رهیافتی نو در مدیریت آموزشی. ۲ (۴)، ۶۳-۷۶.
- کریمی، م.، کیخاونی، س.، و محمدی، مر. (۱۳۸۹). تاثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر اختلالات رفتاری کودکان دبستانی. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام*. ۱۸ (۳). ۶۸-۶۱.
- گراوتر، ف. ج.، و فورزانو، لوری- ان بی. (۱۳۸۹). *روش‌های تحقیق برای علوم رفتاری* (ترجمه اکبر رضایی). تبریز: فروزش. تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۰۹.
- میراب زاده اردکانی، آ. (۱۳۸۰). تغییرات توجه و حافظه در اوتیسم. *توانبخشی*، ۶ و ۷، ۵۶-۵۱.
- نادری، ع. ا.، و سیف نراقی، م. (۱۳۸۹). *روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی* (با تاکید بر علوم تربیتی). تهران: ارسباران.
- نریمانی، م.، بیابان گرد، ا.، و رجبی، س. (۱۳۸۵). بررسی کارآمدی روان‌نمایشگری بر بهبود بخشی مهارت‌های اجتماعی و عزت نفس دانش‌آموزان نارساخوان. *پژوهش در حیطه کودکان استثنایی*. ۶ (۲)، ۶۳۸-۶۲۳.
- یوسفی، ف و خیر، م. (۱۳۸۱). بررسی پایایی و روایی مقیاس سنجش مهارت‌های اجتماعی ماتسون و مقایسه عملکرد دختران و پسران در این مقیاس. *علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۲، ۱۵۸-۱۴۷.
- یارپاری، ف.، کدیور، پ.، و میرزاخانی، م. (۱۳۸۷). بررسی تاثیر روش تدریس یادگیری مشارکتی بر عزت نفس، مهارت‌های اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان (دبیرستان). *فصلنامه روانشناسی دانشگاه تبریز*. ۳ (۱۰)، ۱۶۴-۱۴۳.
- Beadle-Brown, J., Murphy, G., Wing, L., Gould, J., Shah, A., & Holmes, N. (2002). Changes in social impairment for people with intellectual disabilities: A follow-up of the Camber well cohort. *Journal of Autism and Developmental Disorders*, 32, 195-206.
- ارجمندی، ز.، و بیابان‌زاده، س. ا. (۱۳۸۲). تاثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر رفتار سازگارانه کودکان کم‌توان‌ذهنی خفیف. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)*. ۹ (۱)، ۳۵-۲۷.
- بهمن زادگان جهرمی، م.، یارمحمدیان، ا.، و موسوی، ح. (۱۳۸۷). بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر رفتارهای اوتیستیک و رشد اجتماعی کودکان مبتلا به اختلال اوتیسم از طریق داستان‌های اجتماعی. *یافته‌های نو در روانشناسی*. ۳ (۹۳-۷۹).
- پور مودت، خ.، و بشاش، ل. (۱۳۸۸). بررسی تحول پردازش اطلاعات اجتماعی دانش‌آموزان کم‌توان‌ذهنی آموزش‌پذیر. *پژوهش در حیطه کودکان استثنایی*. ۹ (۳)، ۲۲۲-۲۱۱.
- شاهی، ی.، میر زمانی بافقی، س. م.، افروز، غ. ع.، پورمحمدرضای تجربی، م.، صالحی، م. (۱۳۸۸). تاثیر سطح تحصیلات والدین بر مهارت‌های اجتماعی و مشکلات رفتاری دانش‌آموزان مبتلا به نشانگان داون. *اصول بهداشت روانی*، ۱۱ (۲)، ۱۴۸-۱۴۱.
- شهیم، س. (۱۳۸۲). مقایسه مهارت‌های اجتماعی و مشکلات رفتاری در دو گروه از کودکان عادی و مبتلا به اختلالات یادگیری در خانه و مدرسه. *روانشناسی و علوم تربیتی*. ۳۳ (۱)، ۱۳۸-۱۲۱.
- طالب‌زاده نوبریان، م.، صالح صدق‌پور، ب.، و کرامتی، ا. (۱۳۸۷). بررسی تاثیر جو اجتماعی مدارس متوسطه بر پرورش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان. *مطالعات برنامه درسی*. ۳ (۸)، ۴۶-۲۳.
- فهامی ر.، و عزتی، م. (۱۳۸۸). مطالعه تاثیر یادگیری مشارکتی (تفحص گروهی) بر رشد مولفه‌های مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی ناحیه ۵ شهر اصفهان در سال تحصیلی

- Bryan, T. S. & Bryan J. H. (1978). Social interventions of learning disabled children. *Learning Disabilities Quarterly*, 1, 33-38.
- Bryan, T. (1998). Social competence of students with learning disabilities. In B.Y.L. Wong, (Ed.), *Learning about learning disabilities*, 2nd ed. (pp. 237-275). San Diego: Academic Press.
- Bryan, T. S. (1974). Peer popularity of learning disabled children. *Journal of Learning Disabilities*, 7, 621-625.
- Bulkeley, R., & Cramer, D. (1994). Social skills training with young adolescents: Group and individual approaches in a school setting. *Journal of Adolescence*, 17, 521-531.
- Cable, R. A., Strain, P. S., & Hendrickson, J. H. (1979). Strategies for improving the status and social behavior of learning disabled children. *Learning Disability Quarterly*, 2, 33-39.
- Conte, R. & Andrews, J. (1993). Social skills in the context of learning disabilities definitions: A reply to Gresham and Elliott direction for future. *Journal of learning Disabilities*, 26, 146-153.
- Eisenberg, N., Fabes, R. A., Murphy, B., Maszk, P., Smith, M., & Karbon, M. (1995). The role of emotionality and regulation in children's social functioning: A longitudinal study. *Child Development*, 66, 1360-1384.
- Fox, L. (1989). Peer perceptions of learning disabled children in the regular classroom. *Exceptional Children*, 56, 50-59.
- Gresham, F. M. (1981). Validity of social skills measures for assessing social competence in low status children: A multivariate investigation. *Developmental Psychology*, 17, 390-398.
- Gresham, F. M., & Elliot, S. N. (1987). The Relationship between Adaptive Behavior and Social Skills: Issues in Definition and Assessment, *The Journal of Special Education*, 21, 167-181.
- Haager, D. & Vaughn, S. (1995). Parent, teacher, peer and self-reports of the social competence of students with learning disabilities. *Journal of Learning Disabilities*, 28, 205-231.
- Hazel, J. S., & Schumaker, J. B. (1988). Social skills and learning disabilities: Current issues and recommendations for future research. In J. F. Kavanagh & T. J. Truss, Jr. (Eds.), *Learning disabilities: Proceedings of the national conference* (pp. 293-344). Parkton, MD: York Press.
- Hollinger, J. D. (1987). Social skills for behaviorally disordered children as preparation for mainstreaming: Theory, practice, and new directions. *Remedial and Special Education*, 8, 17-27.
- Kaufman, M., Agard, J. A., & Semmel, M. I. (1985). *Mainstreaming: Learners and their environment*. Cambridge, MA: Brookline Books.
- La Graca, A. M. & Mesibov, G. (1979). Social skills instruction with learning disabled children selecting skills and implementing training. *Journal of clinical child psychology*, 8, 234-241.
- La Greca, A. M. & Stone, W. L. (1990). Children with learning disabilities: the role of achievement in social, personal and behavioral functioning. In H. L. Swanson & B. K. Keogh (Eds.), *Learning disabilities: theoretical and research issues*. Hillsdale, N.J: Erlbaum, 333-352.
- Lochman, J. E., Wayland, K. K., & White, K. J. (1993). Social goals: relationship to adolescent adjustment and to social problem solving. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 21, 135-151.
- Matson, J. L. and Hammer, D. (1996). Assessment of social functioning. In: J. W. Jacobson and J. A. Mulick (Eds.). *Manual of Diagnosis and Professional Practice in Mental Retardation*. Washington, DC: American Psychological Association.
- Matson, J. L., Fodstad, J. C., & Rivet, T. T. (2009). The relationship of social skills and problem behaviors in adults with intellectual disability and autism or PDD-NOS. *Research in Autism Spectrum Disorders*, 3, 258-268.
- Matson, J. L., Mayville, E. A., Lott, J. D., Bielecki, J., & Logan, R. (2003). A comparison of social and adaptive functioning in persons with psychosis, autism, and severe or profound mental retardation. *Journal of Developmental and Physical Disabilities*, 15, 57-66.
- Matson, J. L., Rotatori, A. F., & Helsel, W. J. (1983). Development of a rating scale to measure social skills in children: The Matson Evaluation of Social Skills with Youngsters (MESSY). *Behaviour Research & Therapy*, 21(4), 335-340.
- Matson, J. L. (1995). *Manual for the Matson evaluation of social skills for individuals with severe retardation*. Baton Rouge, LA: Scientific Publishers.
- Matson, J. L., & Ollendick, T. H. (1988). *Enhancing children's social skills: Assessment and training*. New York: Pergamon Press.
- Merrell, K.W., & Gimpel, G.A. (1998). *Social skills of children and youth: Conceptualization, assessment, treatment*. Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Njardvik, U., Matson, J. L., & Cherry, K. E. (1999). A comparison of social skill in adults with autistic disorder, pervasive developmental disorder not otherwise specified, and mental retardation. *Journal of Autism and Developmental Disorders*, 29, 287-295.

- Parker, J. C., & Asher, S. R. (1987). Peer relations and later personal adjustment: Are low accepted children at risk? *Psychological Bulletin*, 102, 357-389.
- Pearl, R., Donahue, M., and Bryan, T. (1986): Social relations of learning disabled children. In J.K. Torgesen and B.Y.L. Wong (Eds.). *Psychological and Educational Perspectives on Learning Disabilities*. Orlando, F. L. Academic Press.
- Schlundt, D. & McFall, R., (1985) 'New directions in the assessment of social competence and social skills', in L'Abate, L and Milan, M (eds) *Handbook of Social Skills Training and Research*. New York: Wiley.
- Schneider, B. H., Rubin, K. H., & Ledingham, J. E. (1985). *Children's peer relations: Issues in assessment and intervention*. New York: Springer-Verlag.
- Schneider, M., & Yoshida, R.K. (1988). Interpersonal problem-solving skills and classroom behavioral adjustment in learning-disabled adolescents and comparison peers. *Journal of School Psychology*, 26, 25-34.
- Schunk, D. H. (1989). Self-efficacy and achievement behaviors. *Educational Psychology Review*, 1, 173-208.
- Shelton, T. L., Anastopoulos, A. D., & Linden, J. D. (1985). An attribution training program with learning disabled children. *Journal of Learning Disabilities*, 18, 261-265.
- Smith, K.R.M., & Matson, J.L. (2010). Social skills: Differences among intellectually disabled adults with co-morbid autism spectrum disorders and epilepsy. *Research in Developmental Disabilities*, 31, 1366-1372.
- Toro, P. A., Weissberg, R.P., Guare, J., & Liebenstein, N.L. (1990). A comparison of children with and without learning disabilities on social problem - solving skill, school behavior, and family background. *Journal of Learning Disabilities*, 23, 115-120.
- Vaughn, S., & La Greca, A. M. (1988). Social intervention for learning disabilities. In K. A. Kavale (Ed.), *Learning disabilities: State of the art and practice* (pp. 123-140). Austin, TX: PRO-ED.
- Vaughn, S., & La Greca, A. M. (1992). Beyond greetings and making friends: Social skills from a broader perspective. In B. Y. L. Wong (Ed.), *Contemporary intervention research in learning disabilities: An international perspective* (pp. 96-114). New York: Springer-Verlag.
- Vaughn, S., & Sinagub, J. M. (1998). Social competence of students with learning disabilities: Interventions and issues. In B. Y. L. Wong (Ed.), *Learning about learning disabilities* (pp. 453-487). San Diego: Academic.
- Vaughn, S., Zaragoza, N. Hogan, A., & Walker, J. (1993). A four-year longitudinal investigation of the social skills and behavior problems of students with learning disabilities. *Journal of Learning Disabilities*, 26, 404-412.
- Wiener, J. (1987). Peer status of learning disabled children and adolescents: A review of the literature. *Learning Disabilities Research*, 2, 62-79.